



۱۴

حضور در پارک‌ها با احتمال انتقال ویروس از طریق تنفس پوست و لمس اشیای آلوده همراه است

مصائب گردش در ایام کرونا

ملیله، یک ارزآور مغفول

هنر ملیله زنجان با این‌که سال گذشته به ثبت شورای جهانی صنایع دستی رسید اما سهمی در بازار جهانی ندارد

۱۶

دیگر به چشمتان هم اعتماد نکنید!

۱۵



زندگی

سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۹ | شماره ۵۷۷۹



info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#خط-کشی- خیابان

عابدی از تهران:

بسیاری از خطوط عابرپاده قبل از چراغ‌های راهنمایی کم‌رنگ شده و قابل رویت نیست و متأسفانه رانندگان به علت نبود دید روی این محدوده توقف می‌کنند که باعث ثبت تخلف با دوربین می‌شود.

#لپ‌تاپ- قیمت

صارمی از بابل:

قیمت لپ‌تاپ به صورت غیرمنطقی افزایش داشته و با توجه به نیاز دانش‌آموزان و دانشجویان به این کالا، خرید برای آنها بسیار سخت و دشوار شده است.

#مسیل- باختر

خواجوی از تهران:

چرا مسیل باختر حد فاصله بلوار ابوذر به طور کامل سروپوشیده نمی‌شود؟ درخواست می‌شود شهرداری محترم منطقه به این پیشنهاد فکر کند.

#اقتصاد-رها

مهدوی از تهران:

دولت، بازار و اقتصاد کشور را به حال خود رها کرده و هر شرکت واحد تولیدی به دلخواه و بدون هیچ مجوزی کالاهای تولیدی یا وارداتی خود را گران می‌کند.

#بورس- زبان

ناجی از اصفهان:

دولت با کسب سود حداکثری در بورس این بازار را رها کرده و متأسفانه شاهد ضرر هنگفت سرمایه‌گذاران هستیم.

#واکسن- بیمار خاص

توکلی از کرچ:

از وزارت بهداشت درخواست می‌شود بیماران خاص را در اولویت واکسیناسیون آفلوآ قرار دهد چرا که این افراد آسیب‌پذیرتر از افراد عادی هستند.

#پارکینگ- تهران

روغنی از تهران:

شهرداری تهران هیچ تدبیری برای رفع مشکل کمبود جای پارک ندارد. این مساله برای شهروندان به یک بحران بدل شده است.

جوابیه

در پی درج پیامی با عنوان «خرابی آسفالت مسیل باختر» سرپرست روابط عمومی شهرداری منطقه ۷ شهر تهران با ارسال نمایی اعلام کرد: با توجه به تأمین اعتبار صورت‌گرفته برای انجام عملیات تراش و روکش مکانیزه آسفالت و برگزاری مناقسه، این کار در برنامه سال جاری معاونت فنی و عمرانی منطقه قرار داده خواهد شد.

نامگذاری خیابان و معابر شهری چه اهمیتی دارد و چرا این مساله بعضاً حاشیه‌ساز می‌شود؟

کوچه‌ای به نام تو



مدت‌هاست نامگذاری خیابان‌ها و معابر شهری تبدیل به محل چالش بسیاری از مدیران شهری شده‌است. حساسیت این موضوع آنقدر زیاد است که از سال ۸۸ کمیته‌ای متشکل از سه نفر از اعضای کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورا، مدیرکل روابط عمومی شورای شهر و شهرداری و همچنین نماینده فرهنگستان زبان و ادب فارسی در شورای شهر تهران شکل گرفته که وظیفه‌اش نامگذاری معابر شهری است و از آن سال تا امروز در این کمیته حدود ۴۰۰۰ نام برای معابر تهران تصویب شده‌است. اما هر از گاهی نامگذاری یک خیابان محل بحث و حرف و حدیث می‌شود و با این حال، همچنان این کمیته سالانه ۲۵۰ تا ۳۰۰ نام برای معابر و خیابان‌های تهران تصویب می‌کند. انتخاب نام‌های جدید بر معابر تازه شهری شاید چندین چالش برانگیز نباشد، اما تغییر گاه‌به‌گاه نام خیابان‌ها معمولاً با استقبال سرد شهروندان روبه‌رو می‌شود. واکنش آنها هم بی‌توجهی به نام تازه و خواندن آن معابر با نام پیشین است. منشا اختلاف‌ها هم همین جا شکل می‌گیرد، عده‌ای نام خیابان‌ها را به نوعی گره خورده با هویت اجتماعی و بافت فرهنگی آن منطقه دانسته و تغییر مداوم آن را بی‌توجهی به آن هویت تلقی می‌کنند و برخی هم معتقدند این موضوع همچون یک رسانه قالب می‌تواند به فرهنگ‌سازی کمک کند و به همین دلیل، پویایی این تغییرات را لازم می‌دانند. از سوی دیگر، هر چند حالا نام خیابان‌ها موضوع بحث و چالش است، اما تغییرات زندگی شهری و مجتمع‌سازی‌های فراوان در یک دهه گذشته باعث شده نامگذاری برخی از این مجتمع‌ها هم محل اختلاف باشد. بی‌سلیقه‌گی در انتخاب نام‌ها، ناهمخوانی این نام‌ها در یک بازه جغرافیایی محدود مسکونی و خارج شدن روند انتخاب این نام‌ها از دست مدیریت شهری و افتادن آن به دست صاحبان این مجتمع‌ها هم نکته‌ای است که مورد اشاره بسیاری از کارشناسان قرار گرفته‌است.



میثم اسماعیلی

جامعه

شورای شهر تهران از احتمال نامگذاری خیابان نارمک‌به محمود احمدی‌نژاد هم خبر داده و این کار در حیطه اختیارات قانونی شورا دانسته‌بود. اما فارغ از بگویم‌گوهای همیشگی شورای شهر تهران در این رابطه، این حواشی همواره از سوی مردم بی‌اهمیت تلقی شده‌است. چراکه مردم عادی در آوار مشکلات شهری، نامگذاری خیابان‌ها و معابر را به بیهوده‌کاری این شورا تعبیر می‌کنند و عبارت تحقیرآمیز «بازی اسم - فامیل» را درباره آن به کار می‌برند. اما چرا این کار نه فقط بیهوده نیست، بلکه اتفاقاً مهم است؟ همچنین مدیریت شهری تا چه اندازه توانسته‌است افکار عمومی را در اهمیت این کار اقناع کند؟ چرا نمونه‌های تغییر یافته از سوی شورای شهر مورد توجه عموم قرار نمی‌گیرد؟ یا تا چه اندازه این نامگذاری‌ها بر اساس پژوهش‌های مبتنی بر جامعه‌اتفاق می‌افتد؟

سیاست تغییر نام‌ها

سال گذشته نشست با عنوان «نامگذاری اماکن و خیابان‌های تهران؛ سلیقه‌ای، علمی یا مردمی» برگزار شد که در خلال مباحث مطرح‌شده در آن، اظهارنظرهای جالب‌توجهی درباره این موضوع می‌توان پیدا کرد. آرش نصراصفہانی، معاون مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران معتقد است نام خیابان بیش از آن‌که اسمی خنثی باشد، یک محتوای ایدئولوژیک را منتقل می‌کند. درواقع، صاحبان قدرت با این اسامی، ایدئولوژی و روایت تاریخی خود را به‌خاطر جمع‌ی تحمیل می‌کنند. آن‌طور که این

جامعه‌شناس تأکید دارد با تغییر روابط قدرت، ساخت نمادین شهر نیز تغییر می‌کند و قدرت مسلط آن را به تسخیر خود درمی‌آورد. در سوی دیگر اما مین عارف‌نیا، دبیر کمیسیون نامگذاری شورای شهر معتقد است: «احترام به خاطرات مردم هر محله» باید در انتخاب نام‌ها لحاظ شود. او همچنین مخالف سیاسی‌شدن فرآیند نامگذاری‌هاست و می‌گوید: «اگر قرار باشد هر گرایش سیاسی در شورا و شهرداری بر نامگذاری‌ها تأثیرگذار باشد و در دوره بعد حذف شود، این موضوع تبدیل به آفت خواهد شد.»

عباس عبدی، کارشناس علوم اجتماعی هم نامگذاری‌ها را یکی از مهم‌ترین موضوعاتی می‌داند که در تحولات شهری تأثیرگذار است. او می‌گوید: «سیاست تغییر نام‌ها از گذشته تا امروز یکی از ابزارهای سیاست‌های فرهنگی بوده‌است. ولی بدون ورود به مصادیق این سیاست، لازم است شورای شهر یا هر مرجع دیگری که اقدام به تغییر نام می‌کند، ابتدا حق مالکیت معنوی خود را بر این فرآیند اثبات کند و سپس بر اساس این حق مالکیت تصمیم بگیرد که نام خیابان یا مکانی را تغییر دهد.» او معتقد است سیستمی که نامگذاری‌ها را انجام می‌دهد، توجهی به مقبولیت نام جدید از سوی مردم نمی‌کند. «عبدی در این باره تأکید دارد: «ممکن است این مساله باعث نپذیرفتن یک نام از سوی بیشتر مردم شود و مشکلاتی را ایجاد کند. البته در تمام موارد این‌گونه نبوده‌است و به‌طورمثال نام خیابان انقلاب یا خیابان و میدان آزادی به دلیل این‌که در بستر خاص خود به‌جای شاه‌رضا و آئین‌هاور نیستند، از سوی جامعه مقبولیت لازم را پیدا کرده‌اند.»

حمید مسعودی، پژوهشگر اجتماعی هم معتقد است نامگذاری و تغییر نام این مبادین و معابر شهری دارای کارکردهای مختلفی است. او تسهیل مدیریت بهینه در شهر، هویت‌بخشی به فضاها، ایجاد احساس تعلق در بین شهروندان، مدیریت بهینه اطلاعات شهری شهروندان، تعیین جایگاه شهروندان و کسبه مستقر در آن و تشخیص نگرش به بافت خاص شهری را ازجمله این کارکردها می‌داند و می‌گوید: «کارکرد سیاسی نامگذاری معابر صرفاً به معنای جوانب حکومتی و دولتی نیست، بلکه بیشتر نگاه از بالا به پایین را مطرح می‌کند.» به باور این پژوهشگر، کارکرد سیاسی زمانی می‌تواند تبعات کمتری داشته‌باشد که همسوی سایر شاخص‌های

ذکرشده‌باشد.



یادداشت: دکتر حسین ایمانی جاجرمی

جامعه‌شناس شهری

حقوق عرفی شهروندان در نام معابر شهری

تا قبل از دوره پهلوی اساساً مساله نامگذاری معابر شهری چندان برای مسؤولان مملکت مطرح نبوده. به‌طور مثال، وقتی به دوره قاجار نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در شهری مثل تهران بیشتر معابر به نام افرادی بوده‌است که در آن منطقه کار یا زندگی می‌کردند؛ مثل گذر لوطی صالح یا کوچه دباغ‌ها. اما از دوره پهلوی، مدیران شهری وقت اقدام به نامگذاری معابر براساس اسامی مقامات و مشاهیر مطلوب خودشان کردند. این در حالی است که می‌توان گفت وقتی مسؤولان نامی را که از قدیم برای یک معبر وجود داشته‌است، تغییر می‌دهند و نام مطلوب خود را برای آن انتخاب می‌کنند، عملاً به حقوق عرفی مردم تجاوز کرده‌اند. البته نمونه این اتفاق در سال‌های اخیر نیز در برخی موارد رخ داده‌است.

در چنین شرایطی بهتر است افرادی که مسؤول تعیین نام برای معابر شهری هستند، وقتی تصمیم دارند نام خاصی را برای معبری انتخاب کنند، به جای تغییر نام یک معبر در محله‌ای مسکونی که مردم محله نیز به آن نام علاقه دارند، نام‌هایی را که خودشان می‌پسندند روی معابر اطراف مراکز دولتی بگذارند. یعنی اگر دولت یا شهرداری قصد تعیین نام برخی افراد خاص برای معابر شهری را دارند، بهتر است به لحاظ حقوق عرفی شهروندان، تغییری در نام معابری که از قدیم مورد اقبال عمومی بوده‌است، ندهند و فقط نام‌های مطلوب خود را برای معابری انتخاب کنند که اطراف ساختمان‌های دولتی قرار دارند یا هنوز نامی برایشان انتخاب نشده‌است. البته این باید و نباید‌ها در قوانین کشور ذکر نشده، اما در موضوع نامگذاری معابر شهری، مهم‌تر از قوانین جاری، حقوق عرفی مردم یک محله است؛ حقوقی که در حال و آینده همه افرادی که مسؤول تعیین نام برای یک معابر شهری هستند، باید به آن توجه کنند. برای تعیین نام معابر تازه‌تر که پیوندی با هویت تاریخی یک محله ندارد نیز بهترین حالت این است که نامی برای این معابر انتخاب شود که نشان‌دهنده هویت فرهنگ غنی این کشور باشد و اگر قرار است از میان شخصیت‌ها نیز نامی برای معابر انتخاب شود، بهتر است نام شخصیت‌هایی برای یک منطقه انتخاب شود که اغلب مردم درباره خدماتی که آن افراد به کشور ارائه کرده‌اند، بحثی نداشته باشند. البته همین الان هم معابر زیادی در شهر تهران وجود دارد که نام مشخصی برایشان انتخاب نشده‌است و اتفاقاً اگر مسؤولان شهری قصدشان از تعیین نام خیابان‌ها، هویت‌بخشی به محله‌های تازه‌تر است، بهتر است هرچه زودتر به تعیین نام برای این معابر بپردازند؛ مثلاً در محله اکباتان هنوز هم خیلی از خیابان‌ها یا بلوک‌ها با نام‌های مهندسی آن شناخته می‌شوند، در صورتی که می‌توان با تعیین اسامی شخصیت‌های تاریخی یا زیبایی‌های طبیعی نام این معابر را اصلاح کرد.

در موضوع نامگذاری معابر شهری، مهم‌تر از قوانین جاری، حقوق عرفی مردم یک محله است



زندگی +

اغذیه‌فروشی و اعتصاب غذا

یکی از اهداف تعیین نام خیابان‌ها به اسم مشاهیر یا افراد سرشناس در حوزه‌های مختلف، شناساندن بیشتر زندگی یا دیدگاه آن افراد به مردم است. اما حقیقت تلخی وجود دارد مبنی بر این‌که این شیوه کمترین تأثیر را در میزان شناخت این افراد بین توده مردم داشته‌است. در ویدئوی کوتاهی که یکی از رسانه‌های محلی کاشان تهیه کرده، از برخی مردم حاضر در میدان کمال‌الملک این شهر سوال می‌شود که آیا می‌دانند کمال‌الملک چه کسی بوده‌است؟ جالب این‌که از هفت نفر پاسخ‌دهنده به این پرسش تنها دو نفر اشاره کوتاهی به افتخار هنر ایران دارند. با ذکر این نکته که اشاره آن دو نفر هم پراز ایراد و اشکالات تاریخی است. همین قصه را می‌توان به بسیاری از خیابان‌ها و معابر دیگر هم تعمیم داد. این فقدان شناخت‌ها بعضاً باعث تعارض‌های مضحک و البته تلخی هم می‌شود. مصداق بارز این تضادها هم خیابان بابی‌سندرز در تهران است. تا پیش از سال ۱۳۵۷ اهالی پایتخت خیابان منتهی به ساختمان سفارت انگلستان را به نام سیاستمدار کهنه‌کار انگلیسی یعنی وینستون چرچیل می‌شناختند. این نام تا سال ۵۹ هم پابرجا بود، اما جوان سال‌های ابتدایی انقلاب همراه شد با ذوق چند دانشجوی انقلابی و عاصی از سیاست‌های بریتانیا تا نام این خیابان به نام بابی‌سندرز تغییر پیدا کند. مبارز معروف ایرلندی که در ۸۰سالگی به ارتش آزادخواه ایرلند پیوست و در رویای آزادی و استقلال ایرلند شمالی کوشید و سرانجام در ۲۷سالگی در زندان بلفاست، در شصت‌وششمین روز از اعتصاب غذایی درگذشت. ماجرای نشناختن پیشینه این فرد از نحوه مرگ او آغاز می‌شود، چراکه تا سال‌های سال اغذیه‌فروشی بزرگی در این خیابان به نام این مبارز فعالیت می‌کرد! پارادوکس خنده‌دار یعنی نام اغذیه‌فروشی به نام فردی باشد که به واسطه اعتصاب غذا درگذشته‌است!